بسم الله الرحمن الرحیم

انا انزلناه فی لیله القدر

و ما ادرک ما لیله القدر

لیله القدر خیر من الف شهر

تنزل الملائکه و الروح فیها باذن ربهم من کل امر

سلام هی حتی مطلع الفجر

قبل از ورود به سوره:

در اهمیت این سوره، همین بس که شاید بعد از توحید، بیشترین توصیه برای تلاوت در نماز، برای سوره ی قدر است و این حکایت از اهمیت این سوره و محتوای این سوره دارد. (همین طور سوره هایی که توصیه به خواندن آنها زیاد شده است: الرحمن، واقعه، نباء، یس،...) اگر با این توجه به سوره نگاه کنیم، متوجه میشیم اهمیت محتوای این سوره است که باعث شده در ردیف سوری قرار بگیرد که توصیه به خواندن زیادش شده است.

انا انزلناه فی لیله القدر... همانا ما نازل کردیم آن را در شب قدر

ضمیر ه، مرجع ضمیر می خواهد. مرجع ضمیر در یک جهت، شبیه به ال عهد می ماند. ال عهد، یا حضوری است یا ذکری و یا ذهنی؛ مرجع ضمیر هم همینطور است. مرجع ضمیر، غالبا ذکری است اما میتواند حضوری یا ذهنی هم باشد. وقتی این سوره اینگونه شروع می کنه که انا انزلناه... نزدیکترین مرجع ضمیر حضوراً و ذهناً، قرآن است. حالا چرا با ضمیر آورده؟ بحث خواهیم کرد.

انزال، با تنزیل فرق دارد: انزال، نزول دفعی است و تنزیل، نزول تدریجی است.

و ما ادرک ما لیله القدر... و تو چه میدانی که شب قدر چیست

لیله القدر خیر من الف شهر.... شب قدر بهتر از هزار ماه است

تنزل الملائکه و الروح فیها باذن ربهم من کل امر... ملائکه و روح در این شب به اذن پروردگارش نازل میشوند از جهت هر امری

سلام هی حتی مطلع الفجر... این شب، شب سلامت است تا آن زمانِ طلوع سپیده دم

گام بعدی برای شناخت بهتر ترجمه ی آیات: شناخت قدر

قدر یعنی چه؟ حاصل مصدر است. اسم مصدر از تقدیر است. یعنی خدا تقدیر می کند، قدر حاصل میشود. تقدیر یعنی اجرای قدرت. این اجرای قدرتی که خداوند در عالم دارد، یک حاصلی دارد به اسم قدر. شب قدر، یعنی شب این حاصل. یعنی شبی که نتیجه ی قدرت خدا در عالم، ظهور و بروز پیدا می کند. حالا یا به عنوان ثبت یا به عنوان تقدیر.

اما وقتی خودِ تقدیر و قدر را بررسی می کنیم، به یک معنای دقیقتر هم میرسیم: تقدیر (که به معنای اجرای قدرت باشد) را اگر جزئی تر بررسی کنیم، به معنای محدود کردنِ هر آن چیزی است که مقدر میشود. (من، وقتی نسبت به جایی اجرای قدرت می کنم، یعنی برای هر کدام از چیزهایی که زیر دست من است، حد و اندازه تعیین می کنم.) خدای قادر نسبت به عالم اجرای تقدیر می کند، یعنی حد و حدود زیرمجموعه ی خود را مشخص می کند.

شب قدر یعنی شبی که این حد و حدود مشخص میشود. خدا، تقدیر می کند 🡨 قدر میشود.

حالا اینکه لیله چیست و کدام شب است را سوره نپرداخته است اما در توصیف این شب صحبت کرده.

اولین نکته در فضای سخن این سوره: همین که قرآن از میان 114 سوره ی خود، که نه به بهانه های واهی بلکه زمانی نازل میشدند که نیاز به نزول آنها حاصل شده و به حداعلای خود رسیده... (شاهد تاریخی: فترت هایی در زمان حیات حضرت رسول ص بود که قرآن نازل نمیشد تا جایی که حضرت نگران میشدند! سوره ضحی در آن فضا نازل شده که مدتی وحی نیامده بوده)

بنابراین کمیت قرآن به اقتضای سن حضرت رسول ص نیست. این حقیقتی است که در کتاب مکنون بوده و خدا حالا نازل کرده.

پس وقتی از بین 114 سوره، یک سوره اختصاص پیدا می کند به معرفی و بیان فضیلت شب قدر، یک فضا بیشتر ندارد: اینکه این انسان، در مسیر سعادت خود نیاز به شناخت شب قدر دارد. باید شب قدر را بشناسد تا به سعادت برسد. (از کجا اینو میگیم؟ همینکه خداوند یکی از سور قرآن را اختصاص به شب قدر داده و خداوند هم بیجا سخن نمیگوید.)

بحث فنی:

قبلا بحثی داشتیم که از میان ظرف و مظروف، اصل سخن در مظروف است. از میان متعلِق و متعلَق، اصل سخن در متعلَق است. اگر ما باشیم و آیه ی اول، جهت گیری آن به بیان نزول قرآن است. چون لیله القدر، ظرف مطرح شده که مظروف آن نزول قرآن است. پس این آیه میخواهد از نزول قرآن سخن بگوید. (این نگاه آیه است و نه سوره ای) اما وقتی ادامه ی سوره را نگاه می کنیم، می بینیم این مظروف نیست که در حال توضیح داده شدن است؛ بلکه ظرف است که در حال توضیح داده شدن و معرفی شدن است. پس در این آیه اگر گفت انا انزلناه فی لیله القدر اگرچه نظر به نزول داشت اما بیشتر نظر به شب قدر دارد به عنوان ظرف.

اولین ویژگی ای که خدا برای شب قدر مطرح میکند، نزول قرآن است و این ویژگیه کمی نیست.

خدا میگوید ما برای نازل کردنِ این کاملترین کتاب آسمانی (به ادعای خودش) از بین ظرف های زمانیه موجود در عالم، شب قدر را انتخاب کردیم (از میان ظرف های زمانیه موجود) چرا؟ (شب قدر که حقیقت ثابتی است که قبل از نزول قرآن هم وجود داشته است.)

جواب اجمالی: چون این شب پرفضیلت ترین شب سال است.

جواب حقیقی: در سوره به این میرسیم.

بعدش مطرح میکند که و ما ادرک ما لیله القدر/ لیله القدر خیر من الف شهر

پس ویژگی دوم: این شب، از هزار ماه بیشتر است. تنها شبی است که ظرفیت و سِعه ی آن خیلی زیاد است و از هزار ماه برتر است (معادل 83 سال)

تنزل الملائکه و الروح فیها باذن ربهم من کل امر، توضیح همین خیر بودن است. چون، خیر من الف شهر، جهت و حیث میخواهد. از چه حیثی بهتر است؟ مطلقی است که توضیح میخواهد. پس توضیح میدهد که تنزل الملائکه و الروح فیها باذن ربهم من کل امر/ سلام هی حتی مطلع الفجر

حالا این شب را فهمیدیم که شب بزرگ و عظیمی است و خدا برای نزول قرآن انتخاب کرده. شب نزول ملائکه و روح است و شب سلام است.

خدا میخواهد از عظمت شب قدر سخن بگوید. طبیعی است که در چنین فضایی اینطور شروع کند:

بسم الله الرحمن الرحیم/ لیله القدر/ و ما ادرک لیله القدر/ انا انزلنا القرآن فی لیله القدر/ لیله القدر خیر من الف شهر

اما از بین همه ی ویژگی های شب قدر، یکی را بیرون میکشد و در صدر سوره مطرح می کند و بعد شب قدر را معرفی میکند. چرا؟ کدام ویژگی؟ نزول قرآن در آن

چرا خدا این ویژگی را جدا کرده؟ شانیت این ویژگی از بقیه ویژگی ها بالاتر است و در ردیف دیگر ویژگی ها نیست. ضمن اینکه این ویژگی خیلی با اهمیت است.

ماهیت شب قدر چیست و چرا نزول قرآن در شب قدر؟

گفتیم شب قدر، شب تقدیر الهی است که نتیجه اش میشود قدر؛ مشخص شدن حد و حدود و اندازه ها

خدا این شب را اینگونه توصیف می کند که تنزل الملائکه و الروح فیها باذن ربهم من کل امر

ملائکه را میشناسیم. روح چیست؟ یسئلونک عن الروح/ قل الروح من امر ربی. روح از سنخِ امر پروردگار است. امر پروردگار چیست؟ انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون. امر پروردگار نسبت به عالم اینطور است که هرگاه نسبت به عالم اراده کند مسئله ای را، بگوید باش، پس او میشود. این واقعه در چه شبی اتفاق می افتد؟ تنزل الملائکه و الروح، ملائکه که وسائط الهی در اجرای فرامین او هستند، و روح که روح حاکم و امری است که اینها را در یک مجموعه قرار داده، نازل میشوند در این شب، من کل امر، از جهت هر امری که پروردگار صادر کرده و ابزار اجرایش در عالم این ملائکه اند. امر پروردگار نسبت به این عالم، کن فیکون است. در چه شبی؟ در این شب. این است که اهمیت این شب را بالا می برد.

آیا در این مسئله که ملائکه قرار است این اوامر را تحقق ببخشند، خلل و آسیب و نقصی اتفاق می افتد که مانع آنها شود از تحقق اوامر الهی؟ سلام هی حتی مطلع الفجر... این شب، شب سلامت است از هر نقصی

خدا گفت یک شبی در این عالم است که در اوامر کلّ یک سال، فیکون میشود به دست ملائکه ی خدا.

آیا میشود جلوی آن را گرفت؟ نیروهای جنی که قصد اخلال در نظام عالم دارند را خدا جلوی آنها را میگیرد چون این شب سلامت است از هر آسیبی. سلامت در تحقق این قضیه آیه ی قبل داریم.

خدا میگه: یک شبی را ثابت در عالم قرار دادیم که در این شب، اوامر و اجرای قدرت الهی نسبت به عالم برای مدت یکسال به دست ملائکه و روح به اذن پروردگار، تحقق پیدا می کند. و هیچ گونه نقص و خلل و آفتی هم نخواهد داشت تا به هدفش برسد.

حالا ما، قرآن را در شب قدری نازل کردیم که این ویژگی ها را دارد. یعنی شبی که هدایت تکوینی بشر، رقم میخورد. و ما در شب هدایت تکوینی، قرآن را که هدایت تشریعی است، نازل کردیم.

سوال: حالا که این هدایت، یک هدایت تکوینی و اوامر تکوینی است، دانستنِ من، چه نفعی دارد؟ اگر قرار است در این شب، فرامین تکوینی به تحقق بپیونددد که خارج از حیطه ی اختیار من است، چه بخوام و چه نخوام، محقق خواهد شد. سلام و هی حتی مطلع الفجر هم هست. پس چرا از این شب به من خبر میدهی؟ پس ما این شب از خدا چی میخوایم؟ خواستار چی هستیم؟

این نقطه ی ارتباط بین هدایت تکوینی و تشریعی است. اختیار انسان، به چه معناست؟ بعد میشود ربط اختیار را حیطه ی مسائل تشریعی، با مسائل تکوینی دانست.

انسان وقتی به دنیا می آید، پیش روی او، راههای فراوانی وجود دارد که انتخاب هر راه، راه های دیگری را پیش رویش باز میکند که باز انتخاب هر کدام... همین طور ضرب در هم میشود بطوریکه هر انسان، میتواند میلیون ها میلیون احتمال خروجی داشته باشد. از بین میلیون ها راهی که خدا طراحی کرده، انسان یک راه را میتواند به اختیار خود انتخاب کند و این رابطه ی طولی اختیار انسان با خداست.

حالا: وقتی خدا قرآن را که هدایت تشریعی عالم است را در شب رخداد هدایت تکوینی عالم نازل کرده است، یک مفهوم دارد: شما در این برنامه ی طراحی شده برای عالم که در این طراحی هم هیچ دخالتی ندارید، زمانی میتوانی صحیح حرکت کنی که مطابق با این برنامه ی تشریعی پیش بروی.

پس خداوند شب قدر را برای نزول قرآن انتخاب کرد چون فضیلت بیشتری دارد و تناسب با هدایت تشریعی دارد.

در این عالم، مخلوق هایی که اجازه ی اختیار داشتن پیدا کرده اند، محدودند. بقیه خلایق، روی سیر طبیعی زندگی می کنند و هیچ وقت هم اختیار آنها در نقطه ی تعارض با هدایت الهی قرار نمیگیرد. اما در مورد انسان، میتواند اختیار انسان خلاف هدایت تشریعی باشد. شب قدر، نقطه ی پایان یافتن یک پرونده است و نقطه ی آغاز یک پرونده ی جدید. چه از جهت هدایت تکوینی و چه هدایت تشریعی. در این هدایت تکوینی، نقش انسان کجاست؟ این است که با عمل به هدایت تشریعی، راههای پیش روی خود را به سمت صراط مستقیم نزدیک کند. نمیتوانم به خدا بگویم این راهها را پیش روی من بگذار چون این در اختیار خداست، اما میتوانم با انتخابِ صحیح، گزینه های پیش روی خود را به سمت صراط مستقیم نزدیکتر کنم. انتخاب صحیح را از کجا یاد بگیرم؟ از قرآن. لذا در شب قدر، توجه به یکسالم میکنم و برنامه برای یک سالم میریزم. آمادگی برای شب قدر در یکی دو شب حاصل نمیشود بلکه از یکسال قبل آماده میشم برای شب قدر. یواش یواش، گزینه های انتخابی را که من را به سمت صراط مستقیم نزدیک می کند را انتخاب میکنم تا در آن شب آنچه قرار است پیش رویم قرار بگیرد را امکانش را داشته باشم. لذا مومن هر سال در شب قدر، یکسال ارتقاء پیدا میکند در نزدیک شدن به صراط مستقیم. پس شب قدر، آمادگی میخواهد. قرآن آمد تا گزینه های پیش رویمان را مرغوب کنیم.

حالا اینکه این شب، یکشب باشد یا یک شب تکرار شدنی در سال باشد، جوابش مشخص است: نزول قرآن، هر سال تکرار نمیشود، اما نزول ملائکه و روح چون با فعل مضارع آمده، تکرار میشود.

(نسبت به قرائن خارجی نباید تعبد داشت، اما این قراین میتوانند ارشاد داشته باشند

فهم هم نقطه ی تعبد نیست)

سوال اول: چرا نزول قرآن مقدم شده؟

سوال دوم: چرا برای نزول قرآن، شب قدر انتخاب شده؟ به خاطر ویژگی‌هاش

نزول قرآن، در این شب، چه موضوعیت و تناسبی دارد و چرا مقدم شده در سوره؟

در این تقدیر الهی نسبت به عالم که بنده دستی ندارد. خدا نسبت به عالم تقدیر میکند. من، در حیطه ی اختیارم دخالت می کنم: در انتخاب بین آنچه خدا تقدیر کرده و رقم زده، اختیار دارم. پس اینجا برای من مهم میشود که بگوید انا انزلناه فی لیله القدر. من همان شبی که میدانستم شما برای اینکه این گزینه ها را بهترینش را انتخاب کنی، نیاز به برنامه داری، قرآن را نازل کردم.

چرا باید از نزول دفعی سخن بگه؟ چرا از نزول تدریجی سخن نگفت؟ میخواهد از این همزمانی نتیجه ای بگیرد و تناسبی با حقیقت شب قدر داشته باشد. (قدر، حاصل مصدر تقدیر است و تقدیر یعنی اجرای قدرت، یعنی حد و اندازه مشخص کردن، یعنی نیروی حادّی بقیه را محدود میکند) در شب تقدیر، قرآن را نازل کردیم. یعنی وقتی نیاز شما را احساس کردیم که بی نصیب از این برنامه ریزی الهی نباشید. با قرآن میتوانی از بین مجموعه ی آنچه میتوانی انتخاب کنی، بهترین را انتخاب کنی. وقتی بهترین را انتخاب کنی، طبیعتا، مجموعه ی بعدی که پیش روی داری، بهتر خواهد بود.

(لفظ، چون از جنس ماده است اصلا امکان نزول دفعی ندارد. پس نزول دفعی قرآن به شکل الفاظ نبوده است و یک حقیقت ثابت است که قبل از خلقت عرب ها هم موجود بوده.)

سوال: چرا خدا نگفت انا انزلنا القرآن فی لیله القدر؟ چون تا آنچه درخشش پیدا میکند، ظرف باشد: لیله القدر

(ما که مدعی بیان حکمت آمیز قرآنیم، به این معنا نیست که قرآن باید پیشنهادات ما را هم جواب بده که اگه فلانطور میگفتی بهتر بود. بلکه بدین معناست که حکمت آنچه گفته است را درک کنیم. قرآن را با ضمیر آورده ولی مقدم، شب قدر را موخر آورده ولی با اسم. اگر می گفت فی لیله القدر انزلنا القرآن فیه، دیگه ضمیری نبود و جای سوال از قرآن نبود و چون لیله القدر مقدم بود، فقط اهمیت لیله القدر درک میشد و نه قرآن)

چرا شب قدر برای نزول قرآن انتخاب شد؟

* در شب نزول هدایت تکوینی، هم اتفاق شود با هدایت تشریعی. چون برنامه ی بشر در هدایت تکوینی، هدایت تشریعی است.
* وقتی مظروف انقدر عظیم است، ظرف هم باید ظرفیت تحمل آن را داشته باشد. و شب قدر را انتخاب کردیم که خیر من الف شهر است. پس اگر هر شب دیگری را انتخاب میکردیم، یک شب بود ولی این شب، بهتر از هزار ماه است و سعه ی هزار ماه را دارد.

جهت هدایتی سوره: بیان جایگاه و اهمیت شب قدر

کاربرد سوره: تلفیق و بیان همزمانی بین انزال قرآن و شب قدر (پس اگر کسی این همزمانی را درک نکرد، سوره هیچ کاربرد عملیاتی برای او پیدا نمی کند)

دخالت من در این شب وقتی مطرح است که پای هدایت تشریعی وسط می آید.

(پاسخ به سوال بچه ها:

امر به معنی فرمان است. روح مِن امر رب است و نه خوده امر. از سنخ امر است که جنبه ی حمایتی دارد.

روح، ماهیت ثابتی در کنار ملائک نیست